

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

هاله صفرزاده

۱۲ جون ۲۰۱۱

زندگی و مبارزه مردم مکزیک

در برابر نئولیبرالیسم

۱

مقدمه

اگر بخواهیم جهانی سازی و تاثیر آن را بر زندگی کارگران در دهه های آخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست و یکم بررسی کنیم، مکزیک یکی از نمونه های بسیار جالبی است که سیاست های جهانی سازی، به مشخص ترین صورت در آن به اجراء در آمده و می آید. شاید بتوان مکزیک را آزمایشگاه خصوصی سازی بی رویه دانست که به لطف وجود مافیای پر قدرت وابسته به امپریالیسم، مردم و کارگران مکزیک قریانی جهانی سازی می شوند.

مکزیک کشوری فقیر در همسایگی بزرگترین و قدرتمندترین کشور سرمایه داری جهان است (۱). در سال های اخیر، مکزیک سریع ترین رشد اقتصادی را در امریکای شمالی داشته است. در سه ماهه دوم سال ۲۰۱۰ اقتصاد مکزیک، به طور متوسط هفت درصد رشد داشت. این رشد، در پایان سال، به پنج درصد رسید. بانک مرکزی مکزیک، رشد اقتصادی ۳.۸۷ درصدی را برای سال ۲۰۱۱ پیش بینی کرده است. مکزیک یکی از پنج کشور بزرگی است که سرمایه های خارجی را دریافت می کند (۲). شرکت های چند ملیتی عمده در منطقه آزاد تجاری کشور، که به نام "ماکی لادوراس" (Maqui Ladoras) شناخته می شود، کارخانه های جدیدی را در بخش های مختلف احداث کرده اند. شرکت های الکترونیک و تولید لباس، واحدهای خود را در مرز مکزیک و امریکا دایر کرده اند.

برای مثال، شرکت تلفون و تلگراف امریکا، واحد تعمیر تلفون های بی سیم خود را از سنگاپور به مکزیک منتقل کرده است. در پایان سال ۲۰۰۰ میلادی، ۳۷۰۰ کارخانه در ماکی لادوراس، یک میلیون و سیصد و هفتاد هزار نفر را در استخدام داشتند. "تی خوانا" که تنها پانزده دقیقه با "سان دیه گو" فاصله دارد، پایتخت جهانی تولید تلویزیون شناخته شده است. واحدهای تولیدی شرکت های سونی، سامسونگ، ماتسوشیتا و بسیاری از شرکت های دیگر، سالانه چهارده میلیون دستگاه تلویزیون در این محل تولید می کنند. درآمد سرانه در سان دیه گو، به ۲۵ هزار

دلار می رسد ولی در تی خوانا، کمتر از ۳۲۰۰ دلار است. سال ۱۹۹۶ در واحدهای تولیدی و کارخانه‌های تی خوانا ۱۱۷ هزار نفر کار می‌کردند که نسبت به سال پیش از آن ۲۸ درصد افزایش داشت. در "سیوداد خوارز" که در فاصله بین اقیانوس آرام و خلیج مکزیک قرار گرفته و تنها پانزده دقیقه با "الپاسو" فاصله دارد، ۲۳۵ کارخانه وجود دارد و بیش از ۳۷۵ هزار نفر در آنها کار می‌کنند. این بزرگترین مرکز واحدهای تولیدی مشترک امریکا و مکزیک، در سراسر مرز دو کشور است.

۱۵۰۰ کمپانی کانادایی در مکزیک مشغول به کارند. بیش از پنجاه درصد از معادن مکزیک، متعلق به شرکت‌های کانادایی است.

با استانداردهای جهانی‌سازی، مکزیک در سی سال اخیر، تبدیل به یک کشور پیشرفته شده است. اما نتایج برای مردم عادی فاجعه‌آمیز بوده است. نمی‌توان وضعیت مردم و کارگران مکزیک را، بدون اشاره به قرارداد نفتا، بررسی کرد.

قرارداد نفتا (۳)

(The North American Free Trade Agreement)



نماد نفتا

قرارداد نفتا در سال ۱۹۹۴ میان امریکا، کانادا و مکزیک بسته شد. نفتا در طی این سال‌ها، روزبه روز زندگی کارگران مکزیک را به قهقراء برده و در مقابل، سود سرشاری را نصیب شرکت‌های چند ملیتی نموده است. در ابتداء گفته می‌شد که:

"نفتا آن قدر رفاه به وجود می‌آورد که از بین رفتن حمایت‌های اجتماعی ناشی از اصلاحات اقتصادی را برای مردم عادی جبران خواهد کرد. سرمایه‌گذاران خارجی، مکزیکوسیتی را به یک قطب اقتصادی تبدیل خواهند کرد، کارگران فقیر این شهر به مصرف کنندگان طبقه متوسطی تبدیل خواهند شد که کالاهای امریکائی و کانادائی مصرف می‌کنند و شغل‌های بیشتری در این کشورها ایجاد خواهد شد."

این پیمان به مردم ایالات متحده، مکزیک و کانادا، به عنوان "حذف تعرفه‌های گمرکی بر روی کالاهائی که از مرز این سه کشور عبور می‌کنند" معرفی شد، اما نفتا غیر از این است. وزیر خارجه مکزیک گفته است: "نفتا، توافقنامه‌ای برای مردم ثروتمند و قدرتمند است و منافع مردم عادی در هر سه کشور را تأمین نمی‌کند". پال مارتین، نخست وزیر پیشین کانادا، در مقاله ای مطرح کرد: نفتا عبارت است از "تأسیس سیستمی برای حفاظت سرمایه‌گذاران". نفتا در واقع مدلی برای اداره اقتصاد جهانی به شیوه نئولیبرالی است.

بلافاصله بعد از امضای نفتا، کارخانه‌های امریکائی، واحدهای تولیدی خود را به مناطق مرزی مکزیک (یعنی نا امن‌ترین مناطق مکزیک) منتقل کردند؛ جایی که قانون کار مبنای اجرائی ندارد، اتحادیه‌های کارگری در آن فعال

نبوده و نیستند و هیچ محدودیت و قانون زیست محیطی وجود ندارد. از آن زمان حداقل نیم میلیون شغل، از دست رفته است. بسیاری از این شغل‌ها، در شهرهای کوچک و مناطق حومه شهرها از دست رفته و هیچ شغل جایگزینی وجود ندارد.

رشد اقتصادی مبتنی بر صادرات (که ستراتیژی نفتا بود) شامل آن دسته از صنایع مکزیکی نبود که به سرمایه‌گذاران داخلی فروخته شده بود. این قرارداد، وابستگی غذایی مکزیکی به آمریکا را تضمین کرده است. قبل از پیمان نفتا، کشاورزان مکزیکی محصولات غذایی نظیر جوار و گندم تولید می‌کردند که از آن، برای پرورش حیوانات اهلی و استفاده در صنایع غذایی و صدور فرآورده‌های گوشتی استفاده می‌شد. نفتا، کشاورزی مکزیکی را به سمت کشت محصولات صادراتی هدایت کرد و کشاورزان فقیر را کوچاند.

در مقاله‌ای در مجله نیویورک تایمز آمده است که:

"ده‌ها هزار نفر از کشاورزان مکزیکی، قطعات کوچک زمین‌های پدری‌شان را ترک کرده اند. مقوله نامه نفتا، قیمت‌های محصولات کشاورزی را تنظیم کرده و اجازه نمی‌دهد دولت مکزیکی، از تولیدات کشاورزی داخلی حمایت‌های لازم را به عمل آورد، در صورتی که دولت آمریکا از کشاورزان آمریکائی، همان حمایت‌ها را به عمل می‌آورد."

صنعت مرغداری مکزیکی نیز از این امر مستثنی نبوده است. نابودی این صنعت در مکزیکی، یکی از دلایل از بین رفتن روستاهای مکزیکی است. مکزیکی‌ها با ورود محصولات مرغداری آمریکائی، شروع به خرید مرغ و محصولات صنایع مرغداری آمریکا با قیمت ارزان‌تر از تولیدات داخلی کردند. مرغداران مکزیکی چاره‌ای نداشتند جز آنکه با آمریکائی‌ها وارد رقابت شوند تا بازار خود را از چنگ آنها در آورده و در صورت موفقیت، نگاهی هم به بازار آمریکا داشته باشند. اما مرغداران آمریکائی، با حمایت سیاستهای کلان کشاورزی دولت آمریکا توانستند قیمت مرغ و محصولات خود را آنچنان تغییر دهند که مرغداران مکزیکی، توان و قدرتی در رقابت با آنها نداشته باشند. این به معنای نابودی انبوهی از مشاغل در مکزیکی و فاجعه بزرگ بیکاری، در بخش دیگری از اقتصاد بیمار مکزیکی بود.

در یکی از بندهای مقولنامه نفتا آمده است که دولت‌ها نمی‌توانند با شرکت‌های خصوصی کشور دیگر، در زمینه‌های معینی سرمایه‌گذاری مشترک کنند، بلکه شرکت‌های خصوصی، باید با یکدیگر در آن زمینه‌ها وارد معامله شوند. این مسأله به نوعی، دولت‌ها (به خصوص دولت کانادا و مکزیکی) را وادار می‌کند که بسیاری از صنایع را، که جنبه عمومی دارند (نظیر انرژی، آب، بیمارستان‌ها، آموزش و پرورش و...) به بخش خصوصی واگذار کنند. حتی یک بند از این موافقت‌نامه بر مبنای حقوق انسانی و مدنی مردم نیست. شاید مشخص‌ترین نمونه آن، بخش یازدهم موافقت‌نامه نفتا باشد که اجازه می‌دهد سرمایه‌گذاران، در صورتی که مؤسسه آنها متحمل ضرر شود، حکومت‌ها را تحت تعقیب قرار دهند؛ اما متقابلاً مردم این حق را ندارند، حتی اگر به قیمت جان و سلامت خود و فرزندان‌شان یا نابودی محیط زیست طبیعی‌شان، تمام شود.

یکی از رسواترین نمونه‌ها، شکایتی است که کمپانی آمریکائی "متالکلاد" (Metalclad) علیه دولت مکزیکی مطرح کرد. در ۱۹۹۲ این کمپانی از دولت مکزیکی اجازه گرفت که مکانی را در مرکز مکزیکی بسازد که هر سال، سیصد و شصت هزار تن از فضولات پرخطر خود را در آن دفن کند. سه سال بعد، وقتی که تأسیسات کمپانی ساخته شد، در برابر اعتراض عمومی، حکومت محلی از اعطای موافقت، خودداری کرد. متالکلاد به دولت مکزیکی اخطار کرد که باید بخش یازدهم موافقت‌نامه نفتا را اجراء کند. در سال ۲۰۰۰ دیوان محاکمات نفتا، رأی به

نفع کمپانی داد. جریان آلودگی وسیع خلیج مکزیک در سال گذشته و برخورد شرکت‌ها و دولت‌های امریکا و مکزیک، نمونه دیگری از این دست است.

تنها مفهومی که رشد تولید و سقوط دستمزد، در خود دارد؛ سود سرشاری است که نصیب شرکت‌های چند ملیتی و انحصارات امریکائی و کانادائی می‌شود. این همان چیزی است که نفتا و چنین موافقت‌نامه‌هایی، برای آن به وجود آمده است. اساس واقعی برنامه جهانی‌سازی به گونه‌ای تنظیم شده است که سود شرکت‌های چندملیتی را از طریق پائین آوردن دستمزد، بالا ببرند و مالیات این شرکت‌ها را کم کنند؛ به این شرکت‌ها اجازه می‌دهد قوانین حفظ محیط زیست را رعایت نکنند و حقوق کارگران را کاهش دهند. در واقع، این مقاوله‌نامه و سایر مقاوله‌نامه‌های مشابه، برای تسهیل گردش آزاد سرمایه در جهان و یا "برداشتن هرگونه مانعی به منظور گردش آزاد سرمایه" است.

آنچه باعث می‌شود که اصل سودآوری شرکت‌ها در مکزیک، تحت موافقت‌نامه نفتا تضمین شود، فشار پولیسی و نظامی است. کارگران، دهقانان و مردم فقیر، دائما در برابر برنامه‌های جهانی‌سازی مبارزه می‌کنند، اما به طور مداوم، به وسیله حکومت سرکوب می‌شوند. در سال گذشته، کشاورزان مکزیک در همه نقاط کشور تظاهرات کرده اند (مثلا در ورودی مجلس مکزیک را شکستند) و خواسته‌شان این بوده است که قوانین کشاورزی نفتا تغییر کند. در ماکسی لادوراس، تلاش کارگران برای سازمان دادن اتحادیه مستقل، بارها درهم شکسته شده است. برای مثال، در ۲۰۰۰ خنوری پولیس مسلح به تیپانچه و مسلسل، اعتصاب مسالمت‌آمیز کارگران را در برابر کارخانه امریکائی "دورا" مورد حمله قرار داد و کارگران را ضرب و شتم و رهبران آنان را دستگیر کرد. هرچند اعتراض بین‌المللی باعث آزادی رهبران شد، اما کمپانی بیش از صد نفر از اعتصاب کنندگان را اخراج نمود و دولت هم از به رسمیت شناختن اتحادیه کارگران، امتناع کرد. این تنها نمونه این مسأله نیست. به کارگیری دسته‌های اوباش و پولیس برای دستگیری و ارباب کارگران در ماکسی لادوراس، به صورت گسترده وجود دارد. این شیوه برخورد و سرکوب کارگران، در سایر نقاط مکزیک هم شایع است.



۶ جون ۲۰۱۰ نیروهای پولیس فدرال برای اجرای حکم دستگیری رهبران اتحادیه معدنچیان مکزیک، به معدن مس "کاناننا" در مکزیکو رفتند. معدنچیان، علیه تخلفات گسترده ضد سلامتی و امنیت در معدن خطرناک تحت مالکیت شرکت "گروپو مکزیکو"، اعتصاب کرده بودند.

ادامه دارد

زیرنویس ها و منابع:

۱- مکزیک ۲۱۰۰ مایل مرز مشترک با امریکا دارد که از اقیانوس آرام تا خلیج مکزیک امتداد دارد. این کشور چهاردهمین کشور پهناور دنیا و پنجمین کشور وسیع قاره امریکای شمالی است. آداب و سنن کشور مکزیک، متأثر از فرهنگ اقوام سرخپوستی چون مایاها و آزتک ها است، اما سیصد سال استعمار نیز تأثیرات بسیاری در این کشور گذاشته است. جمعیت مکزیک حدود ۱۱۳ میلیون نفر است. طبق قانون، کودکان مکزیک ده سال به مدرسه می‌روند. ۸۸ درصد مردم این کشور باسواد هستند. سال ۲۰۰۰ میلادی، ۱۶۶۳ مؤسسه آموزش عالی، شامل ۶۵۸ مؤسسه دولتی و ۱۰۰۵ مؤسسه خصوصی در مکزیک وجود داشت، اما فقط دو درصد از جمعیت مکزیک، تحصیلات دانشگاهی داشتند. (خبرگزاری فارس، حوزه دانشگاه)

طلا، نقره، اورانیوم، زغال سنگ، نفت و گاز طبیعی، ذخایر مهم معدنی مکزیک اند. این کشور در تولید نقره، مقام اول دنیا را دارد. مکزیک بعد از عربستان، روسیه، امریکا، چین، ایران و کانادا، هفتمین تولید کننده نفت خام دنیاست. مکزیک روزانه نزدیک به یک میلیون و دویست و بیست هزار بشکه نفت به امریکا صادر می‌کند. صنایع مهم این کشور پتروشیمی، نساجی، وسایل نقلیه موتوری و فرآورده‌های کشاورزی و غذائی شامل میگو، سبزیجات، میوه، قهوه و پنبه است. درآمد بالائی نیز از طریق توریسم نصیب این کشور می‌شود. تولیدات مکزیک به کشورهای امریکا (۸۴/۷ درصد)، کانادا (۱/۲ درصد) و اسپانیا (۳/۱ درصد) صادر می‌شود. محصولات وارداتی این کشور شامل ماشین‌آلات فلزکاری، فلزات تراشکاری شده، ماشین‌آلات کشاورزی، تجهیزات الکترونیک، قطعات ماشین برای مونتاز، هواپیما و تجهیزات آن است که از کشورهای امریکا، چین، ژاپن و کوریای جنوبی وارد می‌شود. مکزیک یازدهمین اقتصاد بزرگ دنیاست. در سال ۲۰۰۸ تولید ناخالص داخلی این کشور، یک هزار و پانصد و شصت و سه میلیارد دلار بوده و رشد ۸/۴ درصدی را در سال ۲۰۰۹ تجربه کرده است. میزان دارائی صندوق ذخیره ارزی مکزیک ۱۶ میلیارد دلار و بودجه سالیانه ارتش ۲۵ میلیارد دلار است. (خبرگزاری مهر)

۲- پنج کشور برتر از نظر دریافت سرمایه خارجی، به ترتیب عبارتند از: چین، برزیل، اندونزی، مکزیک و سنگاپور

۳- "جهانی سازی به معنی تجارت آزاد نیست"، دیوید مک نالی، ترجمه علیرضا ثقفی (فصلنامه تأمین اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۱، تابستان ۱۳۸۴) و "ده سالگی نفتا"، ترجمه بهمن دارالشفا، روزنامه شرق، ۱۳۸۲/۱۱/۰۸ به نقل از the Nation